



بررسی فقهی اوراق قرضه اسلامی در مالزی

پدیدآورنده (ها) : توسلی غرjestانی، محمد

مدیریت :: همایش کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران :: مجموعه مقالات هفدهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران (بین المللی)

صفحات : از ۲۳۰۵ تا ۲۳۱۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2138656>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۴/۱۰/۰۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی اوراق قرضه اسلامی در مالزی از دیدگاه فقه امامیه
- بررسی فقهی روش های تضمین اصل سرمایه در اوراق بهادار اسلامی (مشارکت، مضاربه)
- نقد و بررسی کتاب: اوراق قرضه اسلامی الگوهای ساختاربندی انتشار و سرمایه گذاری در صکوک
- بررسی حقوقی و اقتصادی اوراق قرضه در بانکداری اسلامی
- بررسی فقهی و حقوقی اشتراک ها و تمایز های بانکداری اسلامی در ایران و مالزی
- بررسی فقهی مالیات ثابت در مذاهب اسلامی
- بررسی فقهی- حقوقی شیوه های جایگزین معامله اوراق سلف نفتی در بازار ثانوی
- بررسی مبانی فقهی حقوق سیاسی زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- بررسی فقهی اقتصادی ارزشهای رمزیایه در اقتصاد اسلامی
- بررسی فقهی اصل جنگ و صلح، در روابط دولت اسلامی با دول غیر اسلامی (با رویکرد فقه سیاسی)

بررسی فقهی اوراق قرضه اسلامی در مالزی

محمد توسلی غرجستانی

دانشجوی دکترای علوم اقتصادی گرایش اقتصاد اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

Tavassoli86@gmail.com

1

چکیده

اوراق قرضه اسلامی در کنار اوراق بهادار اسلامی (صکوک) به عنوان یکی از ابزار تأمین مالی اسلامی مانند اوراق قرضه در اقتصاد متعارف با نرخ بازدهی ثابت در کشور مالزی طراحی و اجرا شده است. در مقاله کنونی تلاش می‌شود که این اوراق از نظر فقه مذاهب خمس برسی شود که این اوراق مشتمل بر معاملات ربوی است یا خیر؟ بعد از بحث و بررسی معلوم شد که اوراق قرضه مذکور مبتنی بر بیع‌العینه است و بیع مذکور از نظر فقه حنفی، مالکی و حنبلی باطل است اما از نظر فقه امامیه، شافعیه و ظاهریه در صورتی که مشتمل بر شرط بازخرید نباشد صحیح است در غیر این صورت نه. در این مقاله تلاش شده است که ماهیت اوراق قرضه اسلامی مالزی برسی شود که آیا مشتمل بر شرط بازخرید چه به صورت شرط صریح در قرارداد و چه به صورت تبانی می‌باشد یا نه؟ و اگر مشتمل بر شرط بازخرید باشد ماهیت ربوی به خود می‌گیرد و باطل است در غیر آن نه.

واژگان کلیدی: بیع‌العینه، اوراق قرضه اسلامی، بیع مرابحه، بیع مؤجل، ربا.

پیش درآمد

در حال حاضر روش تأمین مالی با نرخ بهره ثابت در نظام مالی سرمایه داری رایج است و در سطح بسیار گسترده از ابزار بدهی تأمین مالی و نقدینگی که مهمترین آن ابزار اوراق قرضه است استفاده می شود.

شرکت و بنگاه های اقتصادی که نیاز به نقدینگی دارند، از این طریق نقدینگی شان را تأمین نموده و از طریق فروش اوراق قرضه و پرداخت بهره ثابت به این هدف دست می یابند و از سوی دیگر صاحبان وجوه نیز با خرید اوراق قرضه به سود مورد نظر خود می رسند. استفاده از این روش در نظام مالی اسلامی به دلیل ربوی بودن جایز نیست از این رو دانشمندان اسلامی در مالزی به فکر طراحی اوراق قرضه اسلامی علاوه بر سایر ابزارهای تأمین مالی اسلامی (صکوک) افتادند که آنان در این زمینه بر بنیاد بیع العینه و بیع دین نوعی اوراق قرضه اسلامی را طراحی کردند که در آن کشور بجای اوراق قرضه متعارف مورد استفاده قرار می گیرد.

در اقتصاد اسلامی از اوراق بهادار که در تأمین مالی اسلامی استفاده می شود، تعبیر به اوراق صکوک می شود. اوراق صکوک چیست؟ صکوک جمع کلمه صک و به معنای سند و سفته است. اوراق صکوک، اوراق بهادار با ارزش مالی یکسان و قابل معامله در بازارهای مالی است. این اوراق بر پایه قراردادهای مورد تأیید شریعت اسلامی منتشر می شوند و دارندگان آن به صورت مشاع مالک یک یا مجموعه ای از دارایی ها و منافع حاصل از آن هستند. صکوک ابزار نوینی است که در کشورهای اسلامی به جای اوراق قرضه به کار گرفته می شود. این اوراق مبتنی بر دارایی با درآمد ثابت یا متغیر قابل معامله در بازار ثانویه و بر اساس اصول شریعت اسلامی است.

روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله به صورت کتابخانه ای است که با استفاده از منابع موجود به بررسی دیدگاه های فقهی مذاهب خمس در مورد ماهیت اوراق قرضه اسلامی مالزی که منتهی به بیع العینه می شود پرداخته شده است.

پیشنه تحقیق

بیع العینه که اوراق قرضه اسلامی بر آن مبنا در کشور مالزی طراحی شده است، از قدیم در کتب فقهی شیعه و اهل سنت مورد توجه بوده است. فقهاء به ویژه در بحث حیل های ربا، به این موضوع پرداخته اند. هرچند این موضوع به صورت مستقل در مباحث فقهی مورد توجه نبوده است. پس از طرح مباحث تأمین مالی اسلامی و اوراق مرتبط به آن، در این اواخر برخی از محققان به موضوع بیع العینه پرداخته اند. در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود.

سجادی و غلامپور (1396) اوراق تورق را به عنوان جایگزین اوراق قرضه برای اجرای سیاست مالی در رویکرد اسلامی پیشنهاد کرده اند. از نگاه ایشان اوراق تورق می تواند جانشین مناسبی برای اوراق قرضه و اعمال سیاست های پولی و مالی باشد.

حبیبی نقیبی (1395) بیع العینه را از نگاه فقهای امامیه و اهل سنت بررسی کرده است. وی نتیجه می گیرد که اکثر فقهای شیعه با استناد به روایات وارده و قواعد، این معامله را در صورتی که معامله اول مشروط به معامله دوم نباشد، جایز می دانند.

نظرپور و همکاران (1391) به بررسی عقد تورق برای تأمین نقدینگی از منظر فقهای امامیه پرداخته اند. در این مقاله با استفاده از این قرارداد در برخی از کشورهای عربی و موافقان و مخالفان آن اشاره شده است. ایشان با تمسک به اطلاقات ادله، حکم بر صحت این قرارداد کرده اند. (معصومی نیا، 1398).

صالح آبادی (1384) اوراق قرضه اسلامی مالزی را که بر اساس بیع العینه طراحی و اجرا شده است، از دیدگاه فقه امامیه بررسی کرده است. وی پس از بررسی ادله بیع العینه در فقه امامیه و دیدگاه فقیهان، این بیع را بدون شرط بازخرد در معامله اول، صحیح دانسته است و نتیجه گیری کرده است که اوراق قرضه اسلامی مالزی چون مبتنی بر شرط بازخرد است، از این جهت ربوی است و غیر صحیح.

صالح و مونی (2013م) ابزارهای مالی و اوراق بهادار اسلامی در مالزی از جمله اوراق قرضه اسلامی و اوراق مرابحه را بررسی نموده و طراحی این دو نوع اوراق را طبق بیع العینه دانسته که در سال 1997م هیئت شرعی سرمایه گذاری اوراق بهادار مالزی و هیئت مشاوران شرعی محلی بانک مرکزی آن کشور جواز استفاده از بیع العینه در زمره ابزارهای مالی اسلامی را صادر کرده اند. (صالح و مونی، 2013م)

1. مراحل و اجرای اوراق قرضه اسلامی در مالزی

در این نوشته نخست گزارشی از یک نوع اوراق صکوک که در مالزی تحت عنوان اوراق قرضه اسلامی بر بنیاد بیع العینه طراحی شده است، ارائه خواهد شد و سپس از نظر فقهی بیع العینه و اوراق طراحی شده بر آن مبنا بررسی خواهد شد.

از سال 1992م بخش خصوصی در اقتصاد مالزی اوراق قرضه اسلامی را در چند مرحله طراحی و اجرا کرده است:

مرحله اول: تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار (ایجاد دارایی های موضوع بیع العینه)

مرحله دوم: انتشارات اوراق قرضه (انتشار اوراق بدهی)

مرحله سوم: معامله اوراق بدهی: خرید و فروش اوراق بدهی در بازار ثانویه با استفاده از قرارداد بیع دین.

بنابراین نخست این سه گام و مرحله را در طراحی اوراق قرضه اسلامی در مالزی به صورت گذرا توضیح داده و سپس به ارزیابی آن از نگاه فقهی خواهیم پرداخت زیرا این اوراق بر بنیاد فقه شافعی طراحی شده است و اینکه این نوع ورق در سایر کشورهای اسلامی دیگر نیز قابل اجرا و تطبیق است یا خیر؟.

گام اول: ایجاد دارایی موضوع بین‌العینه

تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار موضوع انتشار اوراق قرضه اسلامی است. نخست اینکه دارایی یا مال شرایط لازم را جهت فروش دارا باشد. در این صورت این اوراق به دلیل پشتوانه آن دارایی، از ارزش برخوردار شده و می‌تواند مورد معامله قرار بگیرد و در بازار ثانویه داد و ستد شود. بدین صورت که تأمین کنندگان منابع مالی، نخست دارایی را از انتشار دهنده اوراق نقدا خریداری نموده و بلا فاصله طی عقد دیگری همان دارایی را به صورت نسیه به انتشار دهنده اوراق می‌فروشند. این توافق بازخرید تضمین می‌کند که انتشار دهنده اوراق، وجه نقد دریافت کند و تأمین کننده منابع مالی با نرخ از پیش تعیین شده یا بر اساس قرارداد ضمن برگشت سرمایه در آینده به سود مورد نظر دست می‌یابد. مابه‌التفاوت قیمت نقدی و قیمت بازخرید نشانگر سود تأمین کننده منابع مالی است. پشتوانه این اوراق عبارتند از: کارخانجات، تجهیزات، سهام، موجودی کالا در انبار، دارایی‌های نامشهود، ساختمان و دارایی‌های ثابت.

جدول شماره 1: چهار نمونه از شرکت‌ها و اوراق قرضه آن‌ها در مالزی

4

ردیف	ناشر اوراق	ابزار مالی	دارایی پایه
1	Hicom holding Bhd	اوراق مرابحه تضمینی	سهام شرکت‌های بورسی و غیر بورسی
2	Amanah International Finance Sdn Bhd	اوراق مرابحه تضمینی	ساختمان و سایر دارایی‌های فیزیکی
3	KFC Holdings	اوراق بدهی اسلامی «بیع مؤجل»	رستوران، مزرعه و سایر دارایی‌های فیزیکی
4	Petronas Dagangan Bhd	اوراق بدهی اسلامی قابل بازخرید	خط لوله گاز

(صالح‌آبادی، 1384)

باید گفت که گام اول در طراحی اوراق قرضه اسلامی مهم است زیرا نرخ بازده و سود در این مرحله از تفاوت قیمت نقدی و قیمت بازخرید تعیین می‌شود.

گام دوم: انتشار اوراق قرضه اسلامی

این مرحله در بازار اولیه صورت می‌گیرد. شرکتی که نیاز به تأمین مالی دارد، اوراق بدهی را به سرمایه‌گذار عرضه می‌کند. از آنجای که پشتوانه این اوراق دارایی پایه است، ارزش آن نیز واقعی بوده و معتبر است.

این اوراق می تواند با کوپن باشد و می تواند بدون کوپن یعنی با کوپن صفر باشد.

کوپن نشاندهنده سود اوراق قرضه اسلامی است که در اوراق مرابحه نیز کاربرد دارد. تفاوت بین این اوراق در سررسید آنهاست. اوراق با سررسید طولانی مدت، تحت قرارداد بیع با ثمن موجدل (اوراق قرضه اسلامی) صورت می گیرد و اوراق با سررسید کوتاه مدت و میان مدت به صورت مرابحه انجام می شود.

جدول شماره 2: سه نمونه از اوراق قرضه اسلامی در مالزی

ردیف	ناشر	ابزار مالی	مدت قرارداد	تاریخ انتشار	تاریخ سررسید
1	Houlon Cirp	اوراق قرضه اسلامی (بیع با ثمن مؤجل)	7 سال	1997/9/3	2004/9/2
2	Teledata Sdn Bhd	اوراق مرابحه تضمین شده	5 سال	1396/4/5	2001/4/4
3	Moccis Trading Sdn Bhd	اوراق مرابحه تضمین شده	3 سال	1996/3/29	1999/3/28

هم در بیع با ثمن مؤجل و هم در روش مرابحه دو نوع اوراق بدهی منتشر می شوند. اوراق اولیه که نشاندهنده اصل سرمایه است و اوراق ثانویه با کوپن که نشاندهنده سود آن است. (صالح آبادی، همان)

یک. اوراق مرابحه

فروش دین یا بدهی تأمین کننده منابع مالی شامل هر دو نوع اوراق پیش گفته (اوراق مرابحه و اوراق قرضه اسلامی) می شود.

فرایند عرضه و فروش این اوراق در مثال زیر بیان شده است:

مبلغ تأمین مالی: 100 میلیون دلار

نرخ سود سالانه: 8٪

دارایی پایه: زمین و ساختمان

تاریخ انتشار: 5 فوریه 1999

تاریخ سررسید: 5 فوریه 2002

مدت اوراق: 3 سال

کل سود: 100 میلیون ضرب در 8٪ ضرب در 3 = 24 میلیون دلار ($1000000000 \times 8\% \times 3 = 240000000$)

قیمت فروش: مبلغ تأمین مالی + سود = 124 میلیون دلار

تعداد اوراق اولیه قابل انتشار: 100 هزار واحد

قیمت هر ورق: 1000 دلار

تعداد اوراق ثانویه منتشره: 50 هزار واحد

قیمت هر ورق: 24 میلیون تقسیم بر 50000 = \$480

دو. اوراق قرضه اسلامی با کوپن صفر

اوراق قرضه با کوپن صفر همان اوراق قرضه تنزیلی هستند. هرچند پرداخت سود یا کوپنی به آن تعلق نمی‌گیرد اما نرخ سود در تفاوت بین قیمت اسمی اوراق و ارزش تنزیلی آن است. این اوراق در قالب قرارداد بیع انجام می‌شود.

سه. اوراق قرضه خزانه اسلامی

بر خلاف قرارداد مرابحه و اوراق قرضه اسلامی، اوراق خزانه توسط دولت تضمین می‌شود. برای انتشار این اوراق باید عملیات تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌های خزانه صورت پذیرد. این تبدیل با استفاده از بیع‌العینه صورت می‌گیرد.

اوراق قرضه خزانه معمولاً به صورت تنزیلی فروخته می‌شود. قیمت تنزیلی از طریق مکانیزم عرضه و تقاضا در بازار تعیین می‌گردد. معاملات ثانویه‌ای اوراق به معنای فروش حق مالی به شخص ثالث است که بدین ترتیب نقدینگی این اوراق در بازار ثانویه ایجاد می‌شود. مثلاً ارزش اسمی این اوراق \$1000 دالر باشد، به \$800 فروخته می‌شود. دارایی پایه این اوراق شامل دارایی فیزیکی و مالی مانند زمین، ساختمان، سهام، اوراق قرضه و ذخایر ارزی متعلق به خزانه دولت است.

گام سوم: معاملات اوراق بدهی - تنزیل (بیع دین)

به منظور فراهم کردن نقدینگی، معاملات اوراق در بازار ثانویه از اهمیت اساسی برخوردار است. بیشتر اوراق قرضه اسلامی در مالزی به منظور سرمایه‌گذاری بلندمدت در بازار به فروش می‌رسد. با تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی پایه، این اوراق بهادار مالیت پیدا می‌کند و می‌تواند موضوع خرید و فروش قرار گیرد. معاملات این اوراق تحت عنوان «بیع دین» قرار می‌گیرد. (صالح‌آبادی، 1384)

که تنزیل و بیع دین فی الجمله از نظر برخی فقهای متقدم (حسینی عاملی، 1391) و مشهور فقهای معاصر امامیه (اراکي، گلپایگانی، صانعی، زنجانی، خونی، تبریزی، سیستانی، مکارم، فاضل و...) جایز است و روا. (رحیمی و دیگران، 1402).

2. بررسی فقهی بیع‌العینه

از آنجای که ماهیت اوراق قرضه اسلامی به بیع‌العینه بر می‌گردد، در اینجا از نظر فقهی بررسی خواهد شد که آیا بیع‌العینه صحیح است و بر فرض صحت شرایط صحت آن چیست؟. پیش از آن که به بررسی فقهی این موضوع پرداخته شود، نخست بیع‌العینه تعریف می‌شود:

1.2. تعریف بیع‌العینه

در تعریف بیع عینه، اختلافات دامنه‌داری میان فقهاء وجود دارد که به طور کلی شش دیدگاه وجود دارد. که در اینجا به دو دیدگاه اشاره می‌شود.

7

1. دیدگاه اول: «عینه عبارت است از اینکه شخص در مقابل ثمنی مؤجل، کالایی به دیگری بفروشد و پس از تحویل کالا به وی و پیش از پرداخت ثمن، آن را با قیمتی کمتر و به صورت نقدی از مشتری خریداری کند». صورت دیگر این معامله این است که «فروشنده، کالایش را به صورت نقدی بفروشد و سپس آن را با قیمتی بیشتر و به صورت مؤجل، خریداری کند». جمهور فقهاء از جمله شافعیه، امامیه، اکثر حنابله و گروهی از فقهای حنفیه و مالکیه بیع عینه را اینگونه تعریف کرده‌اند. (رستمی و دیگران، 1397)

2. دیدگاه دوم: برخی از فقهای حنفیه و گروه اندکی از فقهای مالکیه در تعریف عینه گفته‌اند: «عینه عبارت است از اینکه طرفین عقد، شخص سومی را میان خویش واسطه کند. به این صورت که ابتدا مالک کالا در حضور مشتری (طالب عینه) آن را به شخص سوم بفروشد سپس شخص سوم با قیمت بیشتر و به صورت مؤجل، آن را به طالب عینه، واگذار کند و در انتها، مالک اول کالا را به صورت نقدی و با قیمت کمتر از مشتری اخیر، خریداری نماید.» (ابن عابدین، 1412)

از میان این دو تعریف آنچه مشهور است همان تعریف اول است و بررسی فقهی نیز بر همان مبنا صورت خواهد گرفت.

2.2. نظر حنفیه، مالکیه و حنبلیه

فقهای اهل سنت از جمله حنفیه، مالکیه و حنابله بیع‌العینه را به واسطه اینکه حیل‌ای برای ربای نسیه است، حرام و ناجایز می‌دانند. (سرخسی، 1414، ج 13 به نقل از رستمی و دیگران، 1397) زیرا قصد طرفین معامله صحت و سقم این قرارداد را تعیین می‌کند. در بیع‌العینه قصد طرفین غیر شرعی است. در این معامله از ابزار صحیح برای مقصد ناصحیحی استفاده می‌شود و آن

عبارت از اخذ وام با بهره است که ربوی محسوب می شود. (ابن تیمیه، 29) هرچند محمد بن حسن شیبانی از عالمان حنفی در قرن دوم هجری فتوا داده است که بیع عینه نه تنها جایز است بلکه مستحب است. (عابدی، 1399). ابن قیم معتقد است که اگر دو طرف معامله بدون قصد فرار از ربا، تبانی و شرط معامله دوم در معامله اول، اقدام به بیع العینه کنند، این معامله صحیح است. (شوکانی، 1424، ج 5)

برخی از فقهای اهل سنت به روایت عایشه استناد می کنند. بر اساس این روایت «ام محبه به عایشه خبرداد که کنیزی داشته و آن را به زید بن ارقم به مبلغ هشت صد درهم به صورت نسیه فروخته و سپس به صورت نقد به مبلغ شش صد درهم خریداری کرده ام. عایشه گفت: چه خرید و فروش بدی انجام دادی؛ پس به زید ابلاغ کن که جهادش در محضر رسول خدا را باطل کرده است؛ مگر اینکه توبه کند. ام محبه گفت: به من بگو اگر به جز سرمایه ام از او چیزی نگیرم حکمش چیست؟ گفت: «فمن جاءه موعظه من ربه فانتهى فله ماسلف». فقهای اهل سنت نظر صریح عایشه را دلیل بر وجود نص در نزد او می دانند و معتقدند وی جمله «بلغی زیدا انه قد ابطل جهاده الا أن يتوب» را بدون وجود نص بر زبان جاری نمی کند. (قرطبی، 1405ق، ج 3) هرچند این استدلال که عایشه بدون وجود نص چنین جمله ای را بیان نمی کند، نمی تواند دلیل بر حرمت و ممنوعیت بیع العینه باشد زیرا حکم تکلیفی و حرمت، دلیل قطعی لازم دارد نه ظنی و استحسانی. از این رو برخی از فقهای اهل سنت به ویژه شافعی ها بیع العینه را حمل بر کراهت کرده اند و هیئت شرعی ابزارهای مالی اسلامی و همچنین هیئت مشاوران شرعی بانک مرکزی مالزی استفاده از بیع العینه را در بازار و ابزار مالی آن کشور اجازه داده اند. (صالح و مونی، 2013م)

3.2. شافعی

شافعی معتقد است که بیع العینه کراهت دارد و جزو از منهیات نیست (نهی از آن نشده است). هرچند در منابع حدیثی اهل سنت روایتی از عایشه در نهی از بیع العینه وارد شده است. علت این فتوای شافعی این است که احتمالاً شافعی می خواهد بگوید درست است که در حدیث عایشه از بیع عینه نهی شده است ولی نهی به خاطر این بوده است که در بیع اول اجل مشخص نیست. مراد روایت عایشه این است که هر معامله نسیه ای که اجل و مدت در آن مشخص نباشد بیع باطل است. زیرا «للاجل قسط من الثمن»، و چون اجل معلوم نیست ثمن هم معلوم نیست؛ بنابراین حدیث عایشه دلیل بر بطلان اصل بیع العینه نمی شود. وی در ادامه می گوید اگر بیع دوم در بیع اول شرط شود، هر دو معامله باطل است. (عابدی، 1399) بسیاری از متأخرین شافعیه بر خلاف متقدمین، بیع عینه را با وجود کراهت، جایز دانسته اند. (رستمی، افسری و احمدی، 1397) ابن حجر عسقلانی می گوید: «شافعی بیع عینه را بر پایه این اصل که ظاهر عقود مسلمانان، سلامت آن از مکر و خدیعه است، صحیح دانسته است. (عسقلانی، 1379، ج 12) زحیلی می گوید شافعی با استناد به اینکه معامله ای عینه دربردارنده همه ارکان یک بیع (ایجاب و قبول و ...) است، گفته است: «موضوع نیت به خداوند واگذار می شود و صاحب نیت خبیث و نامشروع، مورد عقاب قرار می گیرد. بر این اساس مشخص می گردد که پیروان این دیدگاه، صورت بیع را مدنظر داشته و آن را بر ظاهرش حمل کرده و در نتیجه حکم به صحت آن داده اند.» (زحیلی، بی تا، ج 1)

4.2. امامیه

از آنجای که ماهیت اوراق قرضه اسلامی مالزی به بیع العینه بر می گردد، از این رو شناخت ماهیت بیع العینه به ما کمک می کند که در مورد ماهیت اوراق قرضه اسلامی و صحت و عدم صحت آن از نظر فقهای شیعه دقیق تر بحث نماییم. در خرید و فروش اوراق بهادار چند نوع بیع وجود دارد. بیع نقد، بیع نسیه و بیع دین. بیع نقد و بیع نسیه صحیح است و مجاز اما بیع دین در اینجا بدین صورت که مؤسسه مالی دارایی دولت یا یک بنگاه اقتصادی را به صورت نقد می خرد و سپس به صورت نسیه به خود او می فروشد و در مقابل سند مالی (وراق مرابحه) می گیرد و آن اوراق را در بازار ثانوی تنزیل می کند. این نوع عملیات خرید و فروش که به بیع العینه معروف است، از گذشته های دور محل بحث فقهای شیعه و اهل سنت (چنانکه در بالا اشاره شد) بوده و مشهور فقهای مسلمان آن را مورد تردید و اشکال دانسته اند.

بیع العینه به دو صورت ممکن است انجام شود:

1.4.2. خرید و فروش بدون شرط و تبانی

صاحب کالا، کالای خود را به خریدار به صورت نقد می فروشد و بهای آن را دریافت می کند و سپس به خریدار پیشنهاد فروش نسیه همان کالا را به خودش (فروشنده) می دهد. اگر معامله ای انجام شد دو معامله ای مستقل انجام شده و طبق نظر مشهور فقهای امامیه (سرآبادانی، 1394)، شافعیه و ظاهریه اشکالی ندارد. (عابدی، 1384)

بشاربن یسار می گوید: از امام صادق ع در مورد مردی سؤال کردم که کالایی را به صورت نسیه به دیگر می فروشد، سپس از او خریداری می کند، فرمود: بلکه اشکال ندارد. گفتم: کالای خود را می خرم؟ فرمود: کالا یا گاو و گوسفند تو نیست. (حرعاملی، 1414ق، ج 18). این تعبیر امام که «کالا و گاو گوسفند تو نیست»، نشان می دهد که بیع اول بیع واقعی بوده است نه صوری و برای فرار از ربا. دوم این که اگر ارکان عقد کامل باشد، به محض انجام معامله خریدار مالک مبیع و فروشنده مالک ثمن می شود و این حکم متوقف بر انقضای خیار مجلس هم نیست. (خویی، 1377، ج 5)

حسین بین منذر می گوید: به امام صادق ع عرض کردم مردی نزد من می آید و از من طلب عینه می کند، پس کالایی را به صورت مرابحه ای برای او خریداری می کنم، سپس به او می فروشم، آنگاه بلافاصله آن را از او می خرم؛ حکم آن چیست؟. حضرت فرمود: اگر او اختیار دارد که اگر بخواهد بتواند خریداری کند و اگر بخواهد بتواند خریداری نکند و تو هم اختیار داشته باشی اگر خواستی خریداری کنی یا خریداری نکنی، اشکال ندارد. (حرعاملی، همان، ج 18) صاحب جواهر از این حدیث تعبیر به حسنه کرده است. (نجفی، 1368، ج 23)

از این روایت استفاده می شود که اگر دو طرف معامله ملزم به انجام معامله دوم نباشند و با میل و رغبت خود معامله دوم را انجام دهد، بیع العینه اشکال ندارد.

2.4.2. خرید و فروش با شرط بازخرید و تبانی

نوع دوم بدین معناست که صاحب کالا، کالای خود را به صورت نقد می‌فروشد به شرط اینکه خریدار، آن را به مبلغ معینی به صورت نسیه به او بفروشد یا خریدار کالا را به صورت نقد می‌خرد به شرط اینکه فروشنده آن را به مبلغ معین به صورت نسیه بازخرید کند. این شرط گاهی به صورت صریح در قرارداد ذکر یا نوشته می‌شود و گاهی توافق طرفین قرارداد بر آن است که اصطلاحاً به آن تبانی می‌گویند. مشهور فقها با استناد به مواردی مثل عدم تحقق قصد جدی معامله، حيله ربا، لزوم دور و وجود نص صریح (سرآبادانی، 1394) و قواعد کلی حکم به بطلان آن کرده و چنین معامله‌ای را صحیح نمی‌دانند. (خویی، 1377، ج 5).

از این رو شرط باز خرید در بیع محل اشکال و تأمل است. به نظر مشهور فقهای امامیه مثل شیخ طوسی در نهاییه ج 13، 88، علامه حلی در قواعد الاحکام ج 14، 528، و تلخیص المرام، ج 35، 339، محقق حلی، ج 2، 280، شهید ثانی در شرح لمعه، ج 3، 515، کرکی، ج 4، 262، شیخ انصاری، ج 3، 93 و نجفی، ج 23، 108 بیع عینه صحیح است و به گفته صاحب جواهر هیچ کس در آن اختلافی ندارد؛ در صورتی که بیع اول مشروط به بیع دوم نبوده و شرط بازخرید در آن انجام گیرد؛ اما اگر فروشنده از ابتدا با خریدار شرط کند که کالا را پس از فروختن به قیمت بیشتر خریداری نماید، نظر مشهور بر بطلان آن است و صاحب مفتاح‌الکرامه بر آن ادعای اجماع کرده است. (حسینی عاملی، 1391، ج 4) بنابراین شرط بازخرید در متن عقد با قیمت بیشتر موجب بطلان معامله است.

5.2. ادله بطلان

یک. دلیل نقلی

در مورد بیع‌العینه روایات دو دسته می‌باشد، گروهی که بر جواز دلالت دارند پیش از این به برخی از آن‌ها اشاره شد. در اینجا از دسته دوم که بر بطلان بیع‌العینه دلالت دارند به یک روایت اشاره خواهد شد.

روایت حمیری در قرب الاسناد از علی بن جعفر است که می‌گوید: از برادرم موسی بن جعفر ع در موردی مردی که لباسی را به ده درهم به طور نسیه به کسی می‌فروشد و آن‌گاه همان متاع را با پنج درهم به طور نقد از او می‌خرد؛ پرسیدم آیا این معامله صحیح است؟ ایشان فرمود: «إذا لم یشرط و رضا فلا بأس» (حر عاملی، 1414ق، ج 12) مفهوم شرط بیان می‌کند که اگر در متن قرارداد شرط باز خرید شده باشد، معامله باطل است.

دو. دلیل عقلی

لزوم دور. برخی از فقها از جمله علامه حلی در تذکره الفقها و قواعد الاحکام علت بطلان شرط بازخرید را لزوم دور دانسته‌اند. به این معنا که انتقال مبیع از ملک بایع به ملک مشتری متوقف است بر حصول شرط و حصول شرط نیز متوقف است بر انتقال ملک به

بایع. محمد جواد مغنیه می گوید: شرط بازخريد در بيع عينه مستلزم محال است زیرا معنى و مفهوم آن اين است كه مشتری در واقع مالك مبيع نشود مگر اينكه آن را به بايع برگرداند. مثل اينكه كسى بگويد: اين جنس را به تو نمى دهم مگر اينكه آن را به من بدهى. (مغنیه، ج 3)

نتیجه گیری

بيع العينه به طور کلی به معنای فروش نقدی دارایی و بازخريد همزمان همان دارایی به صورت نسيه ولى به قيمت بالاتر مى باشد. تفاوت بين قيمت نقدی و نسيه نشان دهنده سود آن است. در کشور مالزی اوراق قرضه اسلامی و اوراق مرابحه بر اساس بيع العينه طراحی و منتشر شده است. بر اساس فقه مذاهب سه گانه حنبلی، حنفی و مالکی بيع العينه باطل است زیرا حيله ای برای فرار از رباست و غالباً اين نوع معاملات در مواردی است كه طلبكار برای گرفتن سود مورد نظر از بدهكار آن را انجام مى دهد و معمولاً ربا تحقق پیدا مى كند و انجام معامله صوری است. اما از دید فقهای امامیه و شافعیه و همچنین روایاتی كه وجود دارند، اگر در بيع العينه شرط بازخريد نشده باشد و تبانی هم در كار نباشد، صحیح است در غير اين صورت طبق دیدگاه مشهور فقهای امامیه باطل است. در اوراق قرضه اسلامی مالزی كه بر پایه بيع العينه با نرخ ثابت سود طراحی شده اگر شرط بازخريد جزء شروط اساسی اين نوع معامله محسوب شود، اين اوراق قرضه مصداق معامله ربوی است و اگر چنین شرطی وجود نداشته باشد، اشكال ندارد. اما ظاهراً اوراق قرضه عرضه شده در مالزی بر مبنای شرط بازخريد طراحی و اجرا شده بنابراین اين نوع اوراق بهادار فی الجمله از نظر فقه امامیه، حنفیه، مالکیه و حنبلیه ربوی است و باطل.

منابع

1. ابن تیمیه، تقی الدین احمد، 1382، مجموعه فتاوی، ج 29، ریاض، چاپخانه ملك سعود.
2. ابن عابدین، محمد امین، 1412، رد المحتار علی در المختار، بیروت، دار الفکر.
3. حر عاملی، محمد بن حسن، 1414ق، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت.
4. حسینی عاملی، سید محمدجواد، 1391ش، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، بیروت، مؤسسه آل البیت.
5. خویی، ابوالقاسم، 1377، ج 5، مصباح الفقاهه، تقریر محمدعلی توحیدی، قم، داورى.
6. رحیمی، فتح الله، نظری طالقانی، مریم، اصغریان، مجتبی و منصوری، سعید، 1402، ماهیت و مشروعیت تنزیل در فقه امامیه و مصادیق آن در بانکداری اسلامی (تنزیل در فقه امامیه)، نشریه فقه و اصول، سال پنجاه و پنجم، شماره 3، شماره پیاپی 134.
7. رستمی، سید فاضل، افسری، سالم و احمدی، ابوبکر، 1397، حکم بيع عينه در فقه مذاهب اسلامی، دو فصلنامه مطالعات فقه و اصول، سال اول، شماره اول.
8. سرآبادانی، غلامرضا، 1394، نظام مالی اسلامی و ریسک معاملات، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار.
9. سرخسی، ابوبکر محمد بن ابو سهیل، 1414، المبسوط، بیروت، دارالمعرفه.
10. شوکانی، محمد بن علی، 1424، ج 5، نیل الاوطار من اسرار متقی الاخیار، بیروت، دارالکتاب العربی.

11. شهید ثانی، محمد بن جمال الدین مکی عاملی، 1386ش، شرح لمعه (الروضه البهیه فی شرح اللمعه الد مشقیة)، بیروت، دارالعالم الاسلامی.
12. شیخ انصاری، مرتضی، 1410ق، المکاسب، بیروت، مؤسسه النعمان.
13. شیخ طوسی، محمد بن حسن، 1413ق، النهایه، چاپ در سلسله الینایع الفقهیه، بیروت.
14. صالح، مفتاح و مونیة، سلطان، 2013م، الادوات المستخدة فی سوق الاوراق المالیة الاسلامیة (دراسة حالة سوق مالزیة)، مجله مباحث اقتصادی و اداری، شماره 13، الجزائر، دانشگاه بسکرة.
15. صالح آبادی، علی، 1384، بررسی اوراق قرضه اسلامی مالزی از دیدگاه فقه امامیه، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق ع، تهران.
16. عابدی، احمد، 1399، درس خارج فقه، کتاب البیع، بیع العینه.
17. عسقلانی، احمد بن علی، 1379، فتح الباری، بیروت، دار المعرفه.
18. علامه حلی، حسن بن یوسف، 1410ق، قواعد الاحکام چاپ در سلسله الینایع الفقهیه، بیروت.
19. قرطبی، محمد بن احمد، 1405ق، ج 3، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
20. کرکی، شیخ علی، 1408ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ اول، قم، مؤسسه اهل البیت.
21. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین، 1409ق، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، تهران، انتشارات استقلال.
22. معصومی نیا، علی، 1398، بیع العینه: بررسی فقهی و کاربرد آن در اختیار معامله تبعی و اوراق بهادار، فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره دوم، پیاپی 20.
23. مغنیه، محمدجواد، 1977م فقه الامام جعفر الصادق ع، چاپ دوم، بیروت، دارالعلم للملایین.
24. نجفی، محمدحسن، 1368ق، جواهر الکلام، چاپ هفتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.